DOI: 10.22034/isj.2026.568113.2422

International Studies Journal (ISJ)
Vol. 22, No. 4 (88), Spring 2026
Reseived Date: 2025/8/22
Accept Date: 2026/3/19
Article Type: Original Research
PP: 57-79

فصلنامه مطالعات بین‌المللی
سال ۲۲، شماره ٤ (۸۸)، بهار ١٤٠٥
تاریخ دریافت: ١٤٠٤/٥/٣١
تاریخ پذیرش: ١٤٠٤/١٢/٢٨
نوع مقاله: علمی- پژوهشی
صفحات: ۷۹-۵۷

تحلیل همگرایی و واهمگرایی اتحادیه اروپا: امارت اسلامی افغانستان به‌عنوان آزمون سیاست خارجی واحد

محمدرضا سیاوش‌پور* - عباسعلی زاهدی** - دکتر مهدی ذاکریان***

This is an open access article under the CC BY license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

چکیده

اتحادیه اروپا از ابتدای شکل‌گیری تاکنون همواره در دستیابی به یک سیاست خارجی واحد با چالش‌های ساختاری مواجه بوده است. روی کار آمدن امارت اسلامی افغانستان در ۲۰۲۱ و تحولات بعد از آن در افغانستان، این چالش‌ها را به‌صورت عینی نمایان ساخته است. مسئله اصلی این پژوهش نیز بر همین مبنا تحلیل عوامل همگرایی و واهمگرایی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در اتخاذ سیاست خارجی مشترک در قبال طالبان است. این پژوهش باهدف تبیین چرایی انسجام و تشتت در قبال این مسئله از چارچوب نظری تلفیقی نهادگرایی نولیبرال و بین‌دولتی لیبرال بهره می‌گیرد. روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی است. در این روش داده‌ها از اسناد منتشر رسمی اتحادیه اروپا، گزارش‌های نهادهای اروپایی، مقالات علمی و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است و با رویکرد تحلیل کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش‌ها شامل سیاست‌ها، مواضع و کنش‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا در قبال طالبان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حوزه‌های مانند مدیریت مهاجرت، رقابت ژئوپلیتیکی، عدم به‌رسمیت‌شناسی طالبان و محکومیت نقض حقوق بشر باعث همگرایی در اتحادیه اروپا شده است که با منطق نهادگرایی نولیبرال قابل تبیین است. ازسوی‌دیگر اختلاف در منافع ملی، ملاحظات امنیتی و فشارهای سیاسی داخلی بر اساس منطق بین‌دولتی لیبرال موجب واهمگرایی در بین کشورهای عضو شده است. در مجموع بر اساس یافته‌های پژوهش نتیجه این است که سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال افغانستان حاصل برهم‌کنش منطق نهادی نولیبرال و بین‌دولتی لیبرال است و افغانستان به آزمونی جدی برای ارزیابی سیاست خارجی واحد در اتحادیه اروپا تبدیل شده است.

کلیدواژگان: سیاست خارجی اتحادیه اروپا، امارت اسلامی افغانستان، همگرایی، واهمگرایی، بین‌دولتی لیبرال، نهادگرایی نولیبرال.

* دانشجوی کارشناسی‌ارشد معارف و علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران) دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
** دانشجوی کارشناسی‌ارشد معارف و علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران) دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
*** دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، تهران./ نویسنده مسئول/ ایمیل: m-zakerian@srbiau.ac.ir

Article Link: https://www.isjq.ir/article_244189.html
Online ISSN: 2676-5136 Print ISSN: 2045-1735

مقدمه

اتحادیه اروپا به‌عنوان یکی از نهادهای فراملی تأثیرگذار در عرصه بین‌الملل همواره در دستیابی به سیاست خارجی مشترک در بین کشورهای عضو دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است. این سیاست خارجی بر اساس معاهده لیسبون بر حفظ صلح، گسترش دموکراسی، حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر بنا شده است و از ابزارهایی مانند سرویس اقدام خارجی اروپا و نماینده عالی امور خارجه برای اجرا برخوردار است. با این‌وجود اما تفاوت در منافع ملی، تنوع فرهنگی – سیاسی، فشارهای داخلی و... رسیدن به اجماع را دشوار می‌سازد و گاهی اوقات باعث همگرایی و گاهی باعث واهمگرایی در بین کشورهای عضو شده است.

بازگشت طالبان در اوت ۲۰۲۱ میزان همگرایی و واهمگرایی در بین کشورهای عضو را به‌وضوح در قبال یک چالش بین‌المللی نمایان کرده است. بحران افغانستان با فروپاشی اقتصادی، مهاجرت میلیون‌ها نفر از مردم افغانستان و گسترش خطرات امنیتی، بازیگران مهم عرصه بین‌الملل از جمله اتحادیه اروپا را با آزمونی راهبردی مواجه ساخت. از یک سو ارزش‌های مشترک کشورهای عضو مانند دموکراسی و دفاع از حقوق بشر(مانند صدور قطعنامه‌های متعدد علیه طالبان به علت نقض حقوق زنان) باعث تقویت همگرایی شد. ازسوی‌دیگر منافع عمل‌گرایانه هریک از کشورهای عضو مانند کنترل مهاجرت، رقابت ژئوپلیتیک با چین و روسیه و... به واهمگرایی دامن زده است.کشورهای اروپای شرقی با دغدغه های امنیتی فراوانی که دارند رویکر سخت‌گیرانه تر در قبال طالبان اعمال کرده‌اند. در مقابل کشورهایی مانند آلمان برای مدیریت مسائلی مانند مهاجرت به برقرای تماس‌های فنی و محدود با طالبان روی آورده‌اند. این شکاف‌ها سیاست خارجی واحد را به آزمون واقعی تبدیل کرده است. پرسش اصلی در این پژوهش این است که عوامل همگرایی و واهمگرایی در اتخاذ سیاست خارجی واحد در اتحادیه اروپا در قبال امارت اسلامی افغانستان کدامند؟

فرضیه پژوهش بر آن است که سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال افغانستان فاقد وحدت رویه‌ای مطلق و یکدست بوده است؛ بلکه این سیاست در حوزه‌هایی نظیر محکومیت نقض حقوق بشر و صدور قطعنامه‌های مشترک، ماهیتی همگرا و واحد از خود نشان داده، و در حوزه‌های دیگر همچون شیوه تعامل عملیاتی با طالبان، اولویت‌بندی کنترل مهاجرت یا رقابت ژئوپلیتیک با چین و روسیه، دچار واگرایی و چندپارگی شده است. به بیان دیگر، همگرایی و واگرایی به‌طور همزمان و در کنار یکدیگر جریان داشته‌اند. این مقاله در ابتدا مفاهیمی همچون همگرایی، واهمگرایی، سیاست خارجی اتحادیه اروپا، منافع مشترک و اجماع سیاسی را تحلیل و بررسی می‌کند. سپس چارچوب نظری را بر اساس نظریه نهادگرایی نولیبرال و بین‌دولتی لیبرال تبیین می‌کند. پس از آن به بررسی تاریخچه تعاملات اتحادیه اروپا با افغانستان از قبل از ۲۰۰۱ تاکنون می‌پردازد. در نهایت نیز عوامل همگرایی و واهمگرایی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در قبال امارت اسلامی افغانستان مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه پژوهش

انصاری کارگر (انصاری کارگر، ۱۴۰۲)؛(Ansari Kargar. 2023) در مقاله خود با عنوان: «همگرایی و

واگرایی آمریکا و اتحادیه اروپا بر روند دولت‌سازی در افغانستان طی دو دهه اخیر» به عوامل همگرایی و واگرایی در بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده در قبال افغانستان در حد فاصل سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۱ پرداخته است. او در پژوهش خود از روش توصیفی – تحلیلی استفاده کرده است. وی بیان می کند که آمریکا و ایالات متحده علی‌رغم اتفاق نظر درباره تشکیل دولت فراگیر و مقتدر در افغانستان، در مورد نحوه تحقق این مهم و روش های نیل به اهداف با یکدیگر اختلاف نظر داشتند که منجر به ناکامی دولت‌سازی شد. پژوهش حاضر با تکیه بر مفاهیم همگرایی و واهمگرایی، برخلاف تمرکز انصاری کارگر بر روابط آمریکا و اروپا و دولت‌سازی، پویایی‌های میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا را در این موضوع واکاوی می کند. تمایز این تحقیق در تغییر سطح تحلیل از روابط بین دو کشور به اعضای عضو یک اتحادیه، و نیز ارزیابی یکپارچگی سیاست خارجی کشورهای عضو نهفته است.

زیبائی و قادری (Zibaei & Qaderi. 2025: 355-380) در مقاله «قدرت‌های بزرگ خاورمیانه و تغییر معادله قدرت در افغانستان» نیز به این امر پرداخته‌اند که چگونه معادله قدرت در افغانستان موجب شده است تا تغییراتی در سیاست کشورها و قدرت‌های بزرگ از جمله کشورهای اروپا و اتحادیه اروپا درباره این کشور روی دهد. اگرچه این مقاله به طور مستقیم در مورد سیاست خارجی واحد اتحادیه اروپا نیست، اما در مورد وضعیت قدرت در افغانستان، بسیار راهگشا است و اینکه این تغییر معاده قدرت بر وضعیت روابط بازیگران دیگر با افغانستان اثر فراوانی داشته است.

شفیعی و نوریان (شفیعی و نوریان، ۱۳۹۳: ۹۲–۶۱)؛(Shafiee & Noorian. 2014: 61-92) در مقاله خود با عنوان: «تجزیه و تحلیل سیاست اتحادیه اروپا در افغانستان بر اساس نظریه صلح لیبرال» با بررسی حضور ۱۵ ساله اتحادیه اروپا در افغانستان، به این موضوع پرداخته‌اند که تا چه حد اتحادیه اروپا بر اساس نظریه صلح لیبرال در افغانستان موفق عمل کرده است؟ فرض پژوهش نیز بر این است که باتوجه به داده‌های موجود هنوز هیچ پیشرفتی در زمینه استقرار صلح، امنیت و توسعه در افغانستان به دست نیامده است و ریشه‌های منازعات همچنان پابرجا است. پژوهش ما بدون آنکه به طور واضح ارتباط میان صلح و سیاست خارجی کشورهای اروپایی بپردازد، به‌طور غیرمستقیم این موضوع را نیز مورد توجه قرار داده است. افزون بر این، مقاله فراتر از این پرداخت ضمنی، از رهگذر بررسی همگرایی و واهمگرایی، پاسخی برای چرایی شکست صلح ارائه می‌دهد. این مسئله جدا از تفاوت دو مقاله در چارچوب نظری آن‌هاست؛ چراکه در مقالهٔ حاضر چارچوب نظری نهادگرایی نئولیبرال مبنا قرار گرفته و علاوه بر آن، تحولات مرتبط با سال ۲۰۲۱ به بعد نیز بررسی شده است.

مارچی (Marchi. 2022: 45-62) در مقاله خود با عنوان: «اتحادیه اروپا در افغانستان پس از اوت ۲۰۲۱: منطق عمل» به این مهم می‌پردازند که میان گفتمان‌های هنجاری اتحادیه اروپا مانند حمایت از حقوق زنان و کنش‌های عملی آن شکاف‌هایی وجود دارد. او در این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب نظری سازه‌انگارانه به تحلیل عملکرد نهادهای اتحادیه در قبال افغانستان پرداخته است. پژوهش مارچی، اگرچه از این جهت که به بازه زمانی پس از سالهای ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ و به قدرت رسیدن مجدد طالبان می‌پردازد، شباهت زیادی به پژوهش ما دارد اما از آنجا که سازوکارها و ساختارهای درونی اتحادیه را با تأکید بر دوگانگی میان نظر و عمل در آن اتحادیه بررسی می کند، تفاوت نسبتا قابل توجهی پیدا

می‌کند. پژوهش ما به سیاست خارجی کشورهای عضو می‌پردازد و با بهره‌گیری از نظریهٔ نهادگرایی نولیبرال، همگرایی یا ترکیبی از دو وضعیت (همگرایی و واهمگرایی) را بررسی می‌کند. در مقابل، مارچی با استفاده از نظریه‌ی سازه‌انگاری تفاوت میان خواست اتحادیه و آنچه در عمل تحقق یافته را بررسی می‌کند. به عنوان آخرین تمایز باید اشاره کرد که مارچی به چگونگی عمل و کنش اتحادیه پرداخته، در حالی که این نوشتار فراتر از آن رفته و چرایی این وضعیت به‌ویژه در زمینه‌ی علت‌یابی واگرایی و واهمگرایی را تبیین کرده است.

موراوچیک (Moravcsik, 1993: 437-524) در اثری با عنوان: «ترجیحات و قدرت در جامعه اروپایی: رویکردی بین‌دولتی لیبرال» به تبیین نظریه بین‌دولتی لیبرال می‌پردازد. او بیان می‌کند که منافع ملی کشورهای اروپایی عامل تشکیل اتحادیه اروپا بوده است. همین منافع در صورت تضاد با یکدیگر می‌تواند به مهم‌ترین عامل واهمگرایی در بین کشورهای عضو شود. پژوهش موراوچیک تقریباً بیست و هفت سال پیش انجام شده است اما این درک که کشورهای اروپایی بر اساس منافع ملی خود در کنار یکدیگر و در قالب اتحادیه قرار گرفته‌اند، کماکان یک فهم رایج و متداول به شمار می‌رود. با این حال، در پژوهش ما نشان داده می‌شود که علاوه بر پیگیری منافع کشورها به‌طور جداگانه، آن‌ها منافع دسته‌جمعی و مشترکی را نیز دنبال می‌کنند. این نقطه‌ی تمایز اصلی پژوهش ما با کار موراوچیک است.از سوی دیگر، تمایز دیگر در این است که در مقاله‌ی حاضر، ضمن آنکه ممکن است کشورها منافعی فراتر از منافع مشترک نیز داشته باشند، لزوما وجود منافع متفاوت میان آن‌ها به معنای فروپاشی اتحادیه نیست. ممکن است هم‌گرایی و واهمگرایی به طور همزمان وجود داشته باشد. ضمنا پژوهش حاضر به طور خاص به مطالعه‌ی موردی افغانستان در تصمیم‌گیری‌های اروپایی پرداخته و بر خلاف بسیاری از پژوهش‌های دیگر که به طور کلی و در سطح عمومی به مسائل سیاست خارجی نگاه کرده‌اند، این موضوع را به صورت عینی و مصداقی بررسی می‌کند.

پژوهش‌های پیشین اغلب بر تاریخچه تعاملات دوجانبه تمرکز داشته‌اند. مقاله حاضر اما بر دینامیک همگرایی و واهمگرایی بر پایه نظریه نهادگرایی نولیبرال (با تأکید بر نهادها به‌عنوان تسهیل‌کننده همکاری برای دستیابی به سود مطلق) و بین‌دولتی لیبرال (با تمرکز بر ترجیحات ملی و چانه‌زنی دولت‌ها) پرداخته است. به‌کارگیری هم‌زمان دو نظریه چارچوب تحلیلی بسیار مناسبی برای پرداختن به این مهم خلق می‌کند. نهادگرایی نولیبرال برای تحلیل زمینه‌های همگرایی و بین‌دولتی لیبرال برای تبیین عوامل تعمیق واهمگرایی مورداستفاده قرار می‌گیرد. هدف پژوهش حاضر و به‌کارگیری این روش توصیف وضعیت فعلی و آسیب‌شناسی این روند برای بهبود سیاست‌گذاری‌های آینده اتحادیه اروپا به شمار می‌رود.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

در بخش دوم مقاله، تلاش می‌شود چارچوب مفهومی و مبانی نظری پژوهش به‌صورت منسجم تدوین و ارائه شود. این چارچوب به‌عنوان زیربنای اصلی تحلیل‌های پژوهش عمل کرده و ساختار منطقی و نظری لازم برای تفسیر و بررسی یافته‌ها را فراهم می‌آورد.

۲-۱- چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی این پژوهش از مفاهیم همگرایی، واهمگرایی، سیاست خارجی اتحادیه اروپا، بر منافع مشترک و اجماع سیاسی تشکیل شده‌است.

۲-۱-۱- همگرایی[1]

در تعریف ارنست هاس[2]همگرایی به‌عنوان فرایندی تعریف می‌شود که کنشگران سیاسی که در محیط-های ملی مجزا قرار دارند، انتظارات، وفاداری و فعالیت‌های سیاسی خود را به سمت یک مرکز جدید تغییر می‌دهند. این مرکز جدید دارای نهادهایی است که صلاحیت‌های قانونی فراتر از حوزه‌های ملی را دارا می‌باشد (Haas. 1958).

همگرایی فرایندی است که در آن دولت‌ها به طور ارادی بخشی از حاکمیت خود را به نهادهای فراملی منتقل می‌کنند تا بتوانند به اهداف مشترک اقتصادی، سیاسی و امنیتی دست یابندکه به‌تنهایی قادر به دستیابی به آن‌ها نیستند(مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۰)؛ (Moshirzadeh, 2005: 60–61). بنابراین می‌توان گفت مفهوم همگرایی در روابط بین‌الملل به شرایطی اطلاق می‌شود که دولت‌ها در آن به سمت همکاری عمیق، اتحاد و تأسیس نهادهای فراملی و ساختارهای مشترک حرکت می‌کنند.

۲-۱-۲- واهمگرایی[3]

مفهوم واهمگرایی یا همان تکه‌تکه‌شدگی در روابط بین‌الملل در تقابل با ایده حکمرانی جهانی مطرح می‌شود. در نظریاتی مانند رئالیسم، واهمگرایی یک نتیجه طبیعی از سیستم بین‌المللی آنارشیک به شمار می‌رود. در این پدیده دولت‌ها تمایل پیدا می‌کنند که در روابط خارجی خود سیاست‌های مستقل و مبتنی بر منافع ملی را اتخاذ کنند. اتخاذ این راهبرد در نهایت منجر به کاهش وابستگی متقابل، شکست همکاری‌ها و در نهایت فروپاشی ائتلاف‌ها می‌شود. خروج از سازمان‌های بین‌المللی، افزایش موانع تجاری (تعرفه‌ها) و تقویت مرزهای قلمرویی از نشانه‌های اتخاذ این سیاست به شمار می‌رود (Waltz. 1979) . به بیان دیگر می‌توان گفت در اغلب موارد اتخاذ این سیاست همراه با ملی‌گرایی، حمایت‌گرایی اقتصادی و فروپاشی ائتلاف‌های بزرگ همراه است؛ بنابراین واهمگرایی به روند تضعیف همکاری، تفرقه و کاهش انسجام سیاسی - اقتصادی بین بازیگران بین‌المللی اطلاق می‌شود (گل‌آقایی و ذوقی بارانی، ۱۴۰۴: ۶)؛(Gol-Aghaei & Zoghi Barani. 2025: 6) . این مفهوم در تضاد با ایده همگرایی در روابط بین‌الملل قرار دارد.

۲-۱-۳- سیاست خارجی اتحادیه اروپا

این مفهوم در معاهده لیسبون[4]تحت عنوان سیاست خارجی و امنیتی مشترک[5]تعریف می‌شود. این معاهده که در سال ۲۰۰۹ اجرایی شد، چارچوب قانونی و نهادی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا را شکل داده است. این سیاست خارجی و امنیتی مشترک باهدف تعیین و اجرای رویکردها و اقدامات

---

1. Convergence
2. Ernst B. Haas
3. Fragmentation
4. Treaty of Lisbon
5. Common Foreign and Security Policy - CFSP

اتحادیه اروپا در زمینه‌های سیاست خارجی و امنیتی و باهدف حفظ صلح، ارتقا دموکراسی، برقراری حاکمیت قانون، احترام به حقوق بشر و همچنین تقویت روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای ثالث تدوین شده است؛ بنابراین، این مهم به اتحادیه اروپا این امکان را می‌دهد که با وزن اقتصادی و سیاسی یکپارچه خود در عرصه نظام بین‌الملل تأثیر بسزایی داشته باشد (Treaty of Lisbon. 2007). اجرای CFSP بر عهده دو نهاد مهم اتحادیه اروپا یعنی نماینده عالی اتحادیه اروپا برای امور خارجی و سیاست امنیتی[1] و سرویس اقدام خارجی اروپا[2] می‌باشد. مطابق این معاهده مفهوم سیاست خارجی اتحادیه اروپا به مجموعه ابزارها، اهداف و فرایندهای مشترکی اطلاق می‌شود که این اتحادیه به‌عنوان یک بازیگر واحد بین‌المللی در تعامل با دیگر کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و رسیدگی به مسائل جهانی از آن استفاده می‌کند.

۲-۱-٤- منافع مشترک[3]

نهادگرایان منافع مشترک کنشگران بین‌المللی با یکدیگر را محور همکاری‌های بین‌المللی می‌دانند. از منظر کوهن[4] این منافع مشترک از طریق نهادها و سازمان‌های بین‌المللی(سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و...) در نظام بین‌الملل نهادینه می‌شود. این نهادها با اقداماتی همچون کاهش هزینه‌ها، کاهش فریب و افزایش شفافیت، تحقق منافع مشترک را ممکن می‌سازند. این تمایل دولت‌ها برای رسیدن به منافع مشترک ناشی از این است که برای همه طرفین سود مطلق را به دنبال دارد .Keohane). (1984 الکساندر ونت[5] در بین سازه انگاران شکل‌گیری منافع مشترک را تابعی از درک مشترک بازیگران از هویت‌ها و روابطشان می‌داند. او بر این باور است که این منافع مشترک از طریق تعامل اجتماعی، هنجارها و هویت‌های مشترک شکل می‌گیرند؛ بنابراین دولت‌ها باید در عرصه نظام بین‌الملل خود را همکار یکدیگر ببینند. اگر این مهم محقق شود منافع مشترکی مانند امنیت جمعی برای این دولت‌ها تحقق پیدا می‌کند (Wendt. 1992). در مجموع می‌توان گفت لیبرال‌ها منافع مشترک را یک محاسبه منطقی می‌دانند و سازه انگاران این مهم را یک برساخت اجتماعی معرفی می‌کنند.

۲-۱-۵- اجماع سیاسی

از منظر نظریه بین دولت‌گرایی لیبرال[6] اجماع ساسی یک نتیجه استراتژیک و ابزار چانه‌زنی در روابط بین‌الملل است. در این نظریه اجماع سیاسی عبارت است از هم‌پوشانی منافع و ترجیحات دولت‌های بزرگ که در نتیجه مذاکرات طولانی و چانه‌زنی با یکدیگر محقق می‌شود. در نتیجه، این اجماع زمانی حاصل می‌شود که دولت‌های بزرگ احساس کنند منافع ملی آن‌ها با این توافق حاصله به بهترین شکل تأمین می‌شود.آندرو موراوچیک اندیشمند مطرح این نظریه اتحادیه اروپا را به‌عنوان نمونه بارز نظریه

---

[1]. High Representative for Foreign Affairs and Security Policy

[2]. European External Action Service - EEAS

[3]. Common Interest

[4]. Robert Keohane

[5]. Alexander Wendt

[6]. Intergovernmentalism

خود معرفی می‌کند. او بیان می‌کند که ترجیحات دولت‌های بزرگ و رسیدن به موازنه با یکدیگر این اجماع‌های بزرگ مانند اتحادیه اروپا را خلق می‌کند. در این میان نهادها تنها نقش تسهیل‌کننده را دارا می‌باشند (Moravcsik, 1998). از منظر نهادگرایان اجماع سیاسی یک فرایند نهادینه شده است که برای کاهش هزینه‌های مبادله و غلبه بر مشکلات اقدام جمعی کاربرد دارد. در این اینجا اجماع سیاسی یک هنجار موردقبول است که توسط ساختارهای سازمانی ترویج می‌شود (Keohane, 1984).

۲-۲- چارچوب نظری

نظریه نهادگرایی نولیبرال[1] از نظریات اصلی در روابط بین‌الملل می‌باشد. این نظریه استدلال می‌کند که علی‌رغم حاکم بودن فضای آنارشیک در نظام بین‌الملل، همکاری میان دولت‌ها امکان‌پذیر و پایدار است. کوهن را می‌توان تأثیرگذارترین اندیشمند و بسط دهنده این نظریه دانست. در این نظریه دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران بین‌المللی محسوب می‌شوند. این بازیگران ازآنجاکه عقلانی رفتار می‌کنند به دنبال حداکثر منافع برای خود هستند. برای رسیدن به این حداکثر منافع دولت‌ها به دنبال همکاری با یکدیگر برمی‌آیند و به همین دلیل نهادهایی را تأسیس می‌کنند. این نهادها علی‌رغم محدودیت‌هایی که برای دولت‌ها ایجاد می‌کنند با کاهش عدم قطعیت و هزینه‌ها، همکاری را تسهیل می‌کنند. در این محیط دولت‌ها بیشتر به دنبال سود مطلق هستند و نه سود نسبی، یعنی برایشان مهم است که سود آنها در همکاری افزایش یابد و با سود سایر بازیگران مقایسه نمی‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۶)؛ (Moshirzadeh, 2005: 66–67). همچنین در این نظریه، نهادها قدرت و نقش مستقل خود را نیز دارند. نهادها علی‌رغم اینکه به خواست دولت‌ها و برای تحقق منافع آنها شکل‌گرفته‌اند، می‌توانند بازی را تغییر دهند و با فراهم‌کردن اطلاعات بیشتر همکاری را افزایش دهند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۷: ۵۷۵-۵۷۶)؛ (Dehghani Firoozabadi, 1998: 575–576).

نظریه بین‌دولتی لیبرال یکی از نظریات روابط بین‌الملل است که بر نقش‌محوری دولت‌ها در فرایند یکپارچگی اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل تأکید دارد. اندرو موراوچیک[2] مشهورترین اندیشمند این نظریه است که می‌توان او را مؤسس این نظریه نیز دانست. او در کتاب خود با عنوان انتخاب اروپا[3] تشکیل این اتحادیه را در سه مرحله توضیح می‌دهد که همگی ریشه در منافع ملی دولت‌ها دارند (Moravcsik, 1998). مرحله اول شکل‌گیری ترجیحات ملی نام دارد. در این مرحله دولت‌ها ترجیحات خود را بر اساس منافع اقتصادی گروه‌های سیاسی و اجتماعی قدرتمند داخلی تعریف می‌کنند. در مرحله دوم که چانه‌زنی بین‌دولتی نام دارد، دولت‌ها وارد مذاکره می‌شوند. خروجی این چانه‌زنی وابسته به قدرت نسبی دولت‌ها است و هر دولتی که قدرت نسبی بیشتری داشته باشد(مانند فرانسه، آلمان و...) قدرت چانه‌زنی بیشتری نیز خواهد داشت. مرحله سوم که تشکیل نهادها نام دارد، دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و پایبندی باقی اعضا حاکمیت خود را به نهادهای فراملی(مانند پارلمان و کمیسیون اروپا) واگذار می‌کنند. البته این واگذاری داوطلبانه، محدود و تحت کنترل دولت‌ها است (Moravcsik, 1993).

---

[1]. Neoliberal Institutionalism

[2]. Andrew Moravcsik

[3]. The Choice for Europe

بنابراین، نظریه بین‌دولتی لیبرال رویکردی است که فرایند ادغام اروپا را به‌عنوان مجموعه‌ای از انتخاب‌ها و توافقات عقلانی میان دولت‌های عضو به جهت افزایش منافع ملی خودشان می‌بینند. این نظریه تأکید دارد همچنان دولت‌ها بازیگران اصلی هستند و فرایند تصمیم‌گیری و کنترل نهایی در دست آنان است و منافع ملی همچنان بر منافع نهادی اتحادیه اروپا ارجحیت دارد(نقیب‌زاده، ۱۳۸۲: ۷۶)؛ (Naghibzadeh. 2003: 76).

با تلفیق این دو نظریه در پژوهش حاضر می‌توان روابط اتحادیه اروپا با امارت اسلامی افغانستان را تحلیل کرد. در موضوعاتی همچون حقوق بشر و مخصوصاً محکوم‌کردن نقض حقوق زنان در افغانستان توسط اتحادیه اروپا ما شاهد یک همگرایی در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستیم. درواقع در موارد همگرایی ما شاهد موفقیت رویکرد نهادگرایی نولیبرال در این اتحادیه هستیم. در این موارد نهادهای وابسته و ذیل اتحادیه اروپا با اتخاذ یک سیاست خارجی واحد در موضوعاتی که بیان شد بار دیگر نشان دادند که دارای قدرت مستقل و تأثیرگذار هستند و می‌توانند همکاری در بین کشورهای اروپایی را در بسیاری از مسائل افزایش دهند. اما در مقابل در برخی مسائل ما شاهد اتخاذ رویکرد بین‌دولتی لیبرال هستیم.در برخی مسائل همچون کمک‌های بشردوستانه و عدم به‌رسمیت‌شناسی رسمی، منافع عمل‌گرایانه کشورهای عضو بر سیاست خارجی واحد اتحادیه اروپا تفوق داشته است. برای مثال در همین موضوع کمک‌های بشردوستانه، هدف مشترک اتحادیه اروپا از اعطای این کمک‌ها جلوگیری از وقوع فاجعه انسانی و افزایش مرگ‌ومیر ناشی از گرسنگی بوده است. برخی کشورها اما از این مهم به‌عنوان اهرم فشار سیاسی و گرفتن امتیاز از طالبان در مقابل دیگر رقبا استفاده می‌کنند؛ بنابراین در پژوهش حاضر در تحلیل مثال‌های همگرایی اتحادیه اروپا از نظریه نهادگرایی نولیبرال استفاده می‌کنیم و در موارد عدم موفقیت اتخاذ سیاست خارجی واحد در موضوع طالبان، از نظریه بین‌دولتی لیبرال بهره می‌بریم.

۳- تاریخچه تعاملات اتحادیه اروپا با افغانستان

تا پیش از شکل‌گیری اتحادیه اروپا و انعقاد معاهده ماستریخت در سال ۱۹۹۳ میلادی، تعاملات با افغانستان از طریق قدرت‌های بزرگ اروپایی و روابط دوجانبه و یا در قالب روابط با بازیگران جهانی رخ‌داده است.در زمان اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی نیز کشورهای اروپایی که در بلوک غرب قرار داشتند این تجاوز را در کنار ایالات متحده محکوم کردند (European Parliament. 2022).

پس از سقوط طالبان و برقراری حکومت جمهوری در این کشور، دوران حضور فعال اتحادیه اروپا در کنار ایالات متحده در این کشور آغاز شد. افغانستان در این برهه تاریخی کمک‌های چند صد میلیون یورویی را به‌صورت سالانه از اتحادیه اروپا دریافت می‌کرد. این کمک‌ها تحت نظارت کمیسیون اروپا و باهدف مشارکت در تأمین امنیت و بازسازی افغانستان به این کشور داده می‌شد. در دیدگاه بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا در این زمان اما واهمگرایی هایی نیز وجود داشت. می‌توان گفت اتحادیه اروپا مبتنی بر نظریه صلح لیبرال خواهان برقراری دموکراسی، توسعه و جذب سیاسی نیروهای مخالف حکومت را نیز در دستور کار داشت. اما ایالات متحده از رویکردهای رئالیستی و ایده

ثبات هژمونیک نیز به افغانستان می‌نگریست(کارگر، ۱۴۰۲: ۳۷-۳۶) ؛(Kargar. 2023: 36-37). پس از روی کار آمدن مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱، اتحادیه اروپا روابط دیپلماتیک خود با این گروه را به طور کامل قطع کرد و طالبان را تا به امروز به رسمیت نشناخته است. اما کمک‌های بشردوستانه همچنان به مردم افغانستان اختصاص داده می‌شوند و کانال‌های غیررسمی با برخی مقامات طالبان حفظ شده است(Marchi. 2022).

۳-۱- دوره ابتدایی تعاملات اتحادیه اروپا با افغانستان: قبل از ۲۰۰۱

در این برهه و تا سال ۱۹۹۳ هنوز اتحادیه اروپا تشکیل نشده بود. اولین برخورد یک کشور اروپایی با افغانستان تهاجم انگلیس و ورود نیروهای انگلیسی به این کشور است. انگلیس در سال های ۱۸۳۹، ۱۸۷۸و ۱۹۱۹ به افغانستان لشکرکشی کرد. این جنگ ها معمولا باهدف اشغال افغانستان و ایجاد یک حائل با مستعمرات بریتانیا در هند در برابر نفوذ روسیه بوده است. در آخرین جنگ که منجر به معاهده راولپندی شد، استقلال کامل افغانستان توسط بریتانیا به رسمیت شناخته شد (Ewans. 2002). در زمان حکومت امان‌الله خان و محمدظاهرشاه بر افغانستان (دهه ۱۹۳۰، ۱۹۲۰) این کشور روابط دوجانبه‌ای را با آلمان آغاز کرد. این ارتباط باهدف موازنه سازی در برابر بریتانیا و شوروی شکل گرفت. آلمان نیز در آن زمان کمک‌های فراوانی در زمینه توسعه زیرساخت و آموزش به این کشور ارائه داد. از جمله این کمک‌ها می‌توان به اعطای وام ۵۵ میلیون مارکی و اعزام ۱۵۰ متخصص آلمانی به این کشور اشاره کرد (زمانی،۱۴۰۱)؛(Zamani. 2022) . پس از اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی و روی کار آمدن حکومت کمونیستی در این کشور، کشورهای اروپایی و جامعه اقتصادی اروپا[1]در کنار ایالات متحده این تجاوز را محکوم کردند و سیاست مشترک خود را در راستای هم‌پیمانان غربی(به رهبری ایالات متحده) قرار دادند.کشورهای اروپایی در این وضعیت به اعطای کمک‌های بشردوستانه به آوارگان افغانستانی در پاکستان روی آوردند (ایراف،۱۴۰۲)؛(Iraf. 2023) .پس از خروج ارتش سرخ از افغانستان و به حکومت رسیدن مجاهدین افغان و پس از آن طالبان. تعاملات اتحادیه اروپا با این حکومت ها به حداقل ممکن رسید. کمک‌های بشردوستانه اما همچنان از طریق سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای غیر دولتی برای مقابله با فقر شدید و فجایع انسانی به مردم افغانستان تحویل داده می‌شد.

۳-۲- نقش اتحادیه اروپا در بازسازی و توسعه افغانستان در دوران جمهوری

حدفاصل سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۱ را می‌توان اوج تعاملات اتحادیه اروپا با حکومت افغانستان معرفی کرد. در این دوران اتحادیه اروپا به یکی از بزرگ‌ترین اهداکنندگان کمک‌های بشردوستانه به افغانستان تبدیل شد. هدف اعطای این کمک‌ها و برقراری تعاملات گسترده با حکومت جمهوری اسلامی افغانستان ترویج دموکراسی، نهادسازی و گسترش حکمرانی کارامد در این کشور بوده است. به جهت تقویت نهادهای دولتی در افغانستان، اتحادیه اروپا علاوه بر پول، پرسنل و دانش فنی را نیز در اختیار حکومت جمهوریت قرار داد. ماموریت پلیس اتحادیه اروپا در افغانستان[2]را می‌توان نمونه بارز سیاست امنیتی – دفاعی مشترک در افغانستان برشمرد. هدف این طرح آموزش و مشاوره پلیس ملی افغانستان و

[1]. European Economic Community (EEC)

[2]. EUPOL Afghanistan

وزارت داخله برای تقویت حاکمیت قانون بود (محمدی، ۱۴۰۱)؛(Mohammadi. 2022) .

به جهت ترویج دموکراسی و حقوق بشر در افغانستان، اتحادیه اروپا در این دوران همواره از برگزاری انتخابات در این کشور حمایت کرده است و حتی نقش ناظر و حامی مالی را نیز ایفا کرده است. هدف از این حمایت‌ها را می‌توان مشروعیت بخشی به نهادهای سیاسی و حمایت از گسترش آنان در چارچوب دموکراسی دانست (شفیعی، نوریان،۱۳۹۳: ۷۵-۷۴)؛ (Shafiei & Nourian. 2014: 74-75) . حمایت از حقوق زنان و گنجاندن رعایت این شرط برای اعطای کمک‌های مالی و توسعه‌ای به افغانستان، حاکی از این بودکه اتحادیه اروپا در سیاست خارجی خود برابری جنسیتی را از اولویت-های خود برای تعامل با دیگر کشورها می‌داند(خاوری و سیمبر،۱۴۰۱: ۱۵۶)؛ (Khawari & Simber. 2022: 156). همچنین در این دوران ما شاهد همگرایی بالایی بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده در قبال افغانستان هستیم. با حمله ایالات متحده به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و ورود تدریجی ناتو به این جنگ، درواقع بسیاری از کشورهای اروپایی نیز در پروژه دولت – ملت سازی افغانستان دخیل شدند.

۳-۳- رویکرد اتحادیه اروپا پس از به‌قدرت‌رسیدن طالبان در ۲۰۲۱

به‌قدرت‌رسیدن مجدد طالبان در اوت ۲۰۲۱ و تشکیل امارت اسلامی افغانستان، فصل جدیدی از تعاملات این کشور با جامعه جهانی و مخصوصاً اتحادیه اروپا را رقم زد. در این برهه اتحادیه اروپا تعاملات خود را از استراتژی فعال و پروژه دولت‌سازی در این کشور به تعامل مشروط و محدود با طالبان تغییر داد. عدم به‌رسمیت‌شناسی طالبان و تعلیق روابط رسمی سیاسی در عین حفظ برخی کانال-های ارتباطی غیر رسمی با مقامات امارت اسلامی، استراتژی جدید اتحادیه اروپا در قبال افغانستان امروز است. این مهم باهدف جلوگیری از مشروعیت‌بخشی به طالبان و عدم تأمین مالی دولت جدید به اجرا درآمد. همچنین اتحادیه اروپا پنج معیار (احترام به حقوق بشر، تشکیل حکومت فراگیر و...) را برای تعامل مشروط با طالبات تعیین کرده است (EEAS. 2021).

همچنین باتوجه به فروپاشی اقتصادی و اجتماعی و بحران انسانی قریب‌الوقوع پس از روی کارآمدن طالبان، اتحادیه اروپا تلاش کرده است تا با دور زدن ساختار دولتی طالبان کمک های بشردوستانه را از طریق سازمان‌های بین‌المللی به مردم افغانستان ارائه دهد. به جهت سهولت در تسریع این مهم اتحادیه اروپا یک دفتر نمایندگی در قطر ایجاد کرد که نشان‌دهنده تغییر مکان دیپلماتیک از کابل به قطر نیز بود. (همان) نگرانی های مهاجرتی و مهار تهدید تروریسم فراملی نیز از دیگر برنامه‌های اتحادیه اروپا درقبال افغانستان جدید است. این نگرانی ها باعث شد که اتحادیه اروپا با کشورهای همسایه افغانستان همچون ایران و پاکستان وارد تعامل و تبادل اطلاعات بشود (Marchi. 2022).

٤- همگرایی در سیاست خارجی اتحادیه اروپا نسبت به امارت اسلامی افغانستان

همگرایی اتحادیه اروپا در قبال طالبان شامل مؤلفه‌های مختلفی می‌شود.در این مهم، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک کشورهای اروپایی نقش بسزایی در اتخاذ سیاست خارجی واحد نسبت به طالبان ایفا کرده است.

تعهد به حمایت از حقوق زنان از جمله این ارزش‌ها به شمار می‌رود. این نمونه نشانه یک چارچوب

همگرای ارزش‌محور در قبال موضوع افغانستان است (European Commission. 2024). مدیریت بحران مهاجرت و جلوگیری از ورود گسترده و غیرقانونی اتباع افغانستانی از دیگر عوامل تسهیل‌کننده همگرایی در بین کشورهای اروپایی بوده است. اتحادیه اروپا تلاش کرده است از طریق افزایش همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و ایجاد سازوکارهای مهار تهدیدات فرامرزی، بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی را از مرزهای خود دورنگه دارد (ECRE. 2024). همچنین ازسوی‌دیگر همگرایی اتحادیه اروپا در قبال طالبان را می‌توان یک پدیده ابزاری و ساختاری معرفی کرد. در این میان نقش نهادهای اتحادیه اروپا همچون شورا وکمیسیون اتحادیه اروپا کاملاً برجسته می‌شود. بنا بر نظریه نهادگرایی نولیبرال، این نهادها در این موضوع نقش تسهیل‌کننده را دارند و هزینه‌های تعاملات برای اتخاذ یک سیاست خارجی واحد در قبال امارت اسلامی افغانستان را کاهش می‌دهند.

٤-١- مدیریت بحران مهاجرت و پناهندگان افغان به‌عنوان عامل تعمیق همگرایی در اتحادیه اروپا

پس از قدرت‌گیری مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱ در افغانستان میلیون‌ها نفر از مردم افغانستان به کشورهای همسایه پناهنده شدند و فشار مهاجرت به سمت اروپا افزایش یافت. در این وضعیت اتحادیه اروپا با یک چالش دوگانه مواجه شد. از یک سو به دنبال اسکان این پناهندگان و استفاده از آنها به‌عنوان نیروی کار بود و ازسوی‌دیگر به دنبال جلوگیری از ورود مهاجران غیرقانونی به کشورهای عضو برآمد(UNHCR. 2023). راهبرد عدم شناسایی رسمی و تعامل مشروط و غیررسمی نیز باتوجه به همین بحران توسط تمام کشورهای عضو تایید شد. در این شیوه اتحادیه اروپا به‌صورت سلسله‌وار تماس‌های فنی و عملیاتی را با امارت اسلامی افغانستان برقرار کرد تا از آسیب‌های بحران مهاجرت بکاهد. این مورد نشان‌دهنده همگرایی در بین کشورهای عضو در برابر گروهی است که به‌صورت رسمی توسط سازمان ملل متحد به‌عنوان یک حکومت پذیرفته نشده است (تسنیم، ۱۴۰۴)؛ (Tasnim. 2025). همچنین از دیگر تاثیرات مهاجرت بر همگرایی می‌توان به اقدام آژانس اروپایی پناهندگی (EUAA)[1] اشاره کرد. این نهاد معیارها و روش‌های تقاضاهای پناهندگی را برای مهاجرین افغان یکدست‌تر کرده است. این ابزار در واقع زمینه اجرای سیاست‌های هماهنگ در رابطه با بازگشت مهاجرین و معیارهای حفاظت را فراهم کرده است(EUAA. 2024). در عرصه عملیاتی نیز افزایش عملیات‌های مرزی و ثبت عبور و مرورها موجب تقویت همکاری‌های اطلاعاتی و در نهایت تقویت همگرایی شده است (Council of the European Union. 2024).

٤-٢- تأثیر رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر ایجاد همگرایی در سیاست خارجی اتحادیه اروپا

رقابت قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده، چین و روسیه در تعامل با طالبان باعث شده است که اتحادیه اروپا نتواند به طور کامل از تعامل با آنان کناره‌گیری کند. این مهم باعث شد که کشورهای اتحادیه اروپا در چارچوب منافع امنیتی و سیاسی رویکرد مشترکی را در قبال امارت اسلامی افغانستان اتخاذ کنند. این مورد نمونه بارز همگرایی عملی در روابط بین‌الملل است. با اقدام روسیه در

[1]. European Union Agency for Asylum

به‌رسمیت‌شناختن طالبان، اتحادیه اروپا در سیاست‌های خود در این موضوع یک بازنگری اساسی انجام داد؛ بنابراین سیاست، اتحادیه اروپا برای پر کردن خلأ ژئوپلیتیکی در منطقه، سیاست هماهنگ‌تری را نسبت به طالبان اتخاذ کرده است. اظهارات نماینده ویژه اتحادیه اروپا در امور افغانستان مبنی بر غیرسازنده خواندن به‌رسمیت‌شناسی طالبان توسط روسیه نیز بیانگر همین مهم است (آمو، ۱۴۰۴)؛ (Amu. 2025)، از سوی‌دیگر تعاملات گستره اقتصادی – سیاسی چین با طالبان نیز نگرانی‌های اتحادیه اروپا در موضوع افغانستان را برانگیخته است. مطرح‌شدن استراتژی دروازه جهانی توسط اتحادیه اروپا در واکنش به همین پروژه‌های چین در آسیای مرکزی و مخصوصاً افغانستان است. بر مبنای این استراتژی کشورهای عضو اتحادیه اروپا تعاملات اقتصادی، سیاسی، امنیتی و زیرساختی خود را با کشورهای آسیای مرکزی افزایش می‌دهند.

این اقدامات علاوه بر همکاری با این کشورها برای ایجاد ثبات و توسعه، بیانگر اتخاذ سیاست واحد توسط کشورهای اروپایی در این مسئله است (Euronews. 2025). بنابراین می‌توان گفت نگرانی از نفوذ چین و روسیه در افغانستان و تبدیل‌شدن این کشورها به تنها بازیگران فعال در افغانستان، باعث همگرایی در بین کشورهای اروپایی نسبت به افغانستان شده است.

٤-۳- نقش هنجارها و ارزش‌های مشترک اروپایی در شکل‌گیری سیاست هماهنگ نسبت به طالبان

برقراری حکومت فراگیر و مبتنی بر دموکراسی از نخستین انتظارات اتحادیه اروپا از امارت اسلامی افغانستان به شمار می‌رود. اتحادیه اروپا برقراری حکومت دموکراسی با مشارکت همه مردم افغانستان توسط طالبان را از پیش‌شرط‌های برقراری روابط رسمی با آنان مطرح کرده است. این مهم عامل تأثیرگذاری در عدم به‌رسمیت‌شناسی طالبان توسط هر یک از کشورهای عضو شده است. چرا که ترویج دموکراسی از اصول اساسی تأسیس اتحادیه اروپا به شمار می‌رود و تمام کشورهای عضو دارای حکومتی مبتنی بر دموکراسی در کشورهای خود می‌باشند؛ بنابراین ما شاهد یک همگرایی اتحادیه اروپا در قبال مسئله تأکید بر برقراری دموکراسی در افغانستان هستیم (Council of the European Union. 2025).

حفاظت از حقوق بشر به‌ویژه زنان و دختران نیز از دیگر اصول بنیادین سیاست خارجی اتحادیه اروپا به شمار می‌رود.پارلمان اروپا بارها قطعنامه‌هایی علیه طالبان مبنی بر نقض حقوق زنان و تبعیض سیستماتیک حقوق آنان در افغانستان صادر کرده است. در نتیجه، این قطعنامه‌ها باعث شده است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر رویکرد کاملاً یکسانی در قبال امارت اسلامی افغانستان اتخاذ کنند (۸ صبح، ۱۴۰۲)؛(8 sobh. 2023). درواقع می‌توان نتیجه گرفت که این هنجارها نه‌فقط قواعد انتزاعی، بلکه ابزارهای عملی سیاست‌گذاری هستند و هویت مشترک اروپایی تأثیر بسزایی در سیاست خارجی اتحادیه اروپا نسبت به تعامل با یک حکومت غیررسمی و غیرمتعهد دارد.

٤-٤- نقش گروه‌های فشار و اپوزیسیون افغان در جهت‌دهی به همگرایی

افغانستانی‌های مهاجر ساکن در اروپا از طریق سازمان‌های مدنی و سیاسی تعاملات مستقیم با سیاست‌گذاران اروپایی دارند. برای مثال سازمان ابتکار مهاجران افغان[1] یک نهاد غیردولتی است که

[1]. Afghan Diaspora Initiative (ADI)

شامل متخصصان و فعالان افغان ساکن در اروپا است. اعضای این سازمان که همگی از مخالفین طالبان به شمار می‌روند با ارائه مشاوره به نهادهای اروپایی نقش مؤثری در شکل‌گیری سیاست‌های مختلف و در موضوعات متنوع شامل حقوق بشر و مهاجرت علیه طالبان دارند .Afghan Diaspora Initiative) (n.d.). از گروه‌های فشار تأثیرگذار بر نهادهای اروپایی می‌توان به فعالان زن افغانستانی مستقر در اروپا اشاره کرد. این فعالان با برگزاری کمپین‌ها، مصاحبه و گفت‌وگو با رسانه‌ها و شرکت در جلسات پارلمان اروپا توجهات زیادی را به محدودیت‌های شدید طالبان علیه زنان افغان جلب کرده‌اند. همگرایی شکل‌گرفته در تصویب قطعنامه‌های اتحادیه اروپا در محکومیت امارت اسلامی افغانستان نسبت به نقض حقوق زنان، تأثیر این گروه‌های فشار را برجسته می‌سازد (Euronews. 2024). دیگر گروه‌های مدافع حقوق بشر (اعم از سبزها، لیبرال‌ها، سوسیال‌دموکرات‌ها) در پارلمان اروپا، فشارهای قابل‌توجهی را برای تصویب قطعنامه و محکومیت اقدامات طالبان وارد می‌کنند. احزاب چپ سیاسی نیز همسو با این گروه‌ها در همگرایی کشورهای اروپایی نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

۵- واهمگرایی اتحادیه اروپا در اتخاذ سیاست خارجی واحد

تصمیمات اتحادیه اروپا در حوزه سیاست خارجی به دلیل ساختار نهادی و قاعده‌گذاری‌های خاص غالباً نیازمند اجماع آرا در شورای اروپا است. این ساختار، تصمیمات سریع و قاطع بین ۲۷ کشور را دشوار می‌سازد. چرا که بنابر نظریه بین‌دولتی لیبرال هر کشور در یک تصمیم جمعی، منافع و حساسیت-های ملی خود را دارد(Hassan. 2023). بنابراین هر یک از کشورهای اتحادیه اروپا در مواجهه با طالبان اولویت‌های خاص خود را دنبال می‌کند. برای مثال کشوری مانند آلمان که با مساله پناهجویان مواجه است، سیاست‌های باز اسکان از یک سو و فشارهای داخلی ازسوی‌دیگر بر سیاست مهاجرتی‌اش تأثیرگذار بوده است(Cole. 2025). موضع‌گیری اتحادیه اروپا در قبال مسائل حقوق بشری به‌ویژه حقوق زنان، از دیگر موضوعاتی است که موجب سیاست‌های متفاوت در قبال امارت اسلامی افغانستان شده است. اعضای اتحادیه اروپا تحت فشار سازمان‌های حقوق بشری و افکار عمومی ناچارند تا در قبال نقض حقوق زنان در افغانستان، سیاست‌های سخت‌گیرانه در برابر طالبان اعمال کنند. برخی کشورهای عضو اما ترجیح می‌دهند تا از طریق کانال‌های بشردوستانه و صلح‌محور تعامل با طالبان را ادمه دهند تا دسترسی مردم افغانستان به کمک‌های بشردوستانه قطع نشود(Human Rights Watch. 2024). به کارگیری ابزار و روش‌های متفاوت در قبال طالبان نیز سبب بروز واهمگرایی در بین اعضا شده است. برخی اعضا تحریم‌های بین‌المللی و دیگر کشورها توافقات مهاجرتی – امنیتی و کمک‌های بشردوستانه را بهترین نوع رویارویی با امارت اسلامی افغانستان می‌دانند.

۵-۱- اختلاف منافع و اولویت‌های اعضای مختلف اتحادیه اروپا در مواجهه با طالبان

اختلاف منافع هر یک از اعضای اتحادیه اروپا در مواجهه با طالبان، عمدتاً از تفاوت‌های مهاجرتی، امنیتی و ژئوپلیتیکی ناشی شده و به واهمگرایی در سیاست خارجی مشترک منجر گردیده است.کشورهای غربی اتحادیه اروپا مانند آلمان و فرانسه بر سیاست‌های کنترل مهاجرت تمرکز دارند، درحالی‌که کشورهای اروپای شرقی سیاست‌های مرزی متفاوتی را دنبال می‌کنند. طالبان نیز همواره از این شکاف‌ها بهره‌برداری و در جهت نیل به اهداف خود استفاده کرده‌اند(Euronews. 2025). آلمان

اگرچه طالبان را به رسمیت نشناخته است؛ اما به دنبال همکاری عملی در موضوعات اجرایی مانند مهاجرت با آنان است. وزارت کشور آلمان قصد دارد مذاکرات مستقیم با طالبان را برای تسهیل فرایند بازگرداندن افغان‌های محکوم و دارای پرونده باز را آغاز کند (Anadolu Agency. 2025). کشورهای شرق اروپا به دلیل نگرانی‌های شدید امنیتی کمتر مایل به باز کردن کانال‌های مستقل هستند و بیشتر ترجیح می‌دهند از طریق مکانیزم‌های اتحادیه و دولت‌های میانجی با کابل در ارتباط باشند (ICMPD. 2025). پس می‌توان گفت غرب اروپا به دنبال تعامل مشروط با طالبان است تا مسائلی مانند مهاجرت را کنترل کند. شرق اروپا اما سیاست‌های سخت‌گیرانه مرزی را دنبال می‌کند. این تضاد منافع در اتحادیه می‌تواند منجر به تعمیق شکاف‌های امنیتی-سیاسی بین دول عضو شود(Euractiv 2025).

۵-۲- محدودیت‌های قانونی و حقوق بشری اتحادیه اروپا در تعامل با طالبان

مهم‌ترین مانع قانونی کشورهای اتحادیه اروپا در برقراری روابط با طالبان عدم به‌رسمیت‌شناسی این گروه به‌عنوان حکومت سرپرست توسط سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا است. به همین دلیل تعاملات کشورهای عضو به‌صورت رسمی انجام نمی‌گیرد و محدود به تماس‌های اکتشافی[1]است (Brussels Times. 2025).کشورهای عضو اتحادیه اروپا اما در تفسیر و اعمال حدود این چارچوب با یکدیگر اختلاف دارند. برای مثال برخی کشورهای عضو به‌تازگی از اتحادیه اروپا خواسته‌اند که با طالبان وارد مذاکره شود تا مشکلاتی از قبیل مهاجرت را حل‌وفصل کنند. این نمونه به‌روشنی آشکار می‌کند که علی‌رغم سیاست عدم به‌رسمیت‌شناسی، برخی کشورها حاضرند برای کاهش مشکلات سیاسی - امنیتی در بازه محدودی قوانین اتحادیه اروپا را دور بزنند(Euronews. 2025). این در حالی است که بسیاری دیگر از کشورهای عضو همچنان خواهان عدم هرگونه تعامل و رسمیت دادن به طالبان از طریق مذاکره با نمایندگان آنان هستند.کشورهای عضو بر اساس ماده ۲۱ معاهده اتحادیه اروپا متعهد به ترویج دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق بشر در روابط خارجی خود هستند. ازآنجاکه طالبان به‌صورت سیستماتیک حقوق بشر در افغانستان را نقض می‌کنند، کشورهای عضو بر اساس تعهدات قانونی به اتحادیه اروپا نمی‌توانند به‌صورت رسمی و عادی با طالبان تعامل کنند(Official Journal of the European Union. 2016). همچنین اتحادیه اروپا در آوریل ۲۰۲۳ چارچوب تحریمی مجزایی را نیز برای افغانستان تحت تسلط طالبان تصویب کرده است که بر اساس آن تحریم‌هایی علیه طالبان و مقامات آن وضع شده است.

۵-۳- فشارهای سیاسی داخلی و نگرانی‌های جریان‌های سیاسی راست‌گرا در برخی کشورها

احزاب و جریان‌های سیاسی راست افراطی و محافظه‌کار در اروپا اولویت‌هایی مانند حاکمیت ملی، امنیت مرزی و مهاجرت ستیزی را در محافل سیاسی و تصمیم‌گیر کشورهای خود دنبال می‌کنند. این جریانات معمولاً از تصمیم‌گیری مستقل ملی در سیاست خارجی دفاع می‌کنند و نسبت به مواضع مشترک اتحادیه اروپا نیز بدبین هستند (نظری و سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۶۹-۱۶۸)؛ (Nazari & Salimi. 2015: 168-169). این عامل هماهنگی اروپایی در قبال طالبان را تضعیف می‌کند. جریان‌های راست‌گرایی

[1]. Exploratory Contacts

همچون حزب آزادی اتریش[1] یا pvv هلند[2] طالبان را عامل بی‌ثباتی و مهاجرت انبوه می‌دانند و سیاست‌های نرم اتحادیه اروپا مانند تماس‌های اکتشافی را خیانت به امنیت ملی تلقی می‌کنند. این فشارها بر دولت‌های ملی باعث شده است وحدت اروپایی در قبال طالبان دچار خدشه شود(جماران، ۱۴۰۰)؛ (Jamaran. 2021). در فرانسه، راست‌گرایان مخالف هرگونه ارتباط و تماس با طالبان حتی برای بازگشت مهاجران هستند و مهاجرت از افغانستان را تهدید هویتی می‌دانند. این جریانات بر رئیس‌جمهور مکرون فشار وارد می‌کنند که مواضع محکم‌تر در مسائلی مانند حقوق بشر و تروریسم در قبال طالبان اعمال کند. این مهم تا حد زیادی سیاست خارجی فرانسه را از همکاری‌های مشروط اتحادیه جدا کرده است و بر انزوای کامل طالبان تمرکز دارد(مرادیان، ۱۴۰۳)؛(Moradian. 2024).

۵-٤- تضاد میان اهداف کمک‌های بشردوستانه و نگرانی‌های امنیتی و ضدتروریسم

پس از روی کار آمدن طالبان در اوت ۲۰۲۱ بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا خواهان افزایش کمک‌های بشردوستانه برای جلوگیری از بحران انسانی و فروپاشی اجتماعی در افغانستان بوده اند. در مقابل اما بسیاری دیگر خواهان توقف این کمک ها شده‌اند. چرا که بیم دارند که این کمک‌ها در اختیار مردم افغانستان قرار نگیرد و طالبان با در اختیار گرفتن این کمک‌ها از آنها علیه امنیت کشورهای اروپایی استفاده کند. بسیاری از نهادهای اروپایی نیز بر این باورند که قطع این کمک‌ها باعث تشدید فقر، فروپاشی خدمات عمومی و دیگر محرومیت‌های اجتماعی می‌شود که این مورد باعث تقویت افراط‌گرایی و مهاجرت اجباری می‌شود (Chatham House. 2025). همچنین برخی دولت‌های عضو نیز تعامل عملی و محدود با طالبان را به‌عنوان یک ضرورت امنیت ملی توجیه می‌کنند تا بتوانند خطرات امنیتی و افراط‌گرایی را کنترل کنند (Financial Times. 2025).

می‌توان گفت تضاد بین اعطای کمک‌های بشردوستانه و مسائل امنیتی همچون تروریسم نه یک اختلاف تاکتیکی کوتاه مدت، بلکه بازتابی از تنش ساختاری در سیاست خارجی اتحادیه اروپا است؛ بنابراین تا زمانی که اولویت بندی در بین کمک‌های توسعه‌ای از یک سو و مسائلی مانند تامین امنیت داخلی ازسوی‌دیگر در اتحادیه اروپا صورت نگیرد، واهمگرایی در رابطه با این مسائل در بین کشورهای عضو ادامه خواهد داشت (Financial Times. 2025).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال امارت اسلامی افغانستان به طور هم‌زمان واجد عناصر همگرایی و واهمگرایی بوده است و همین مهم آن را به یک آزمون دشوار برای سنجش سیاست خارجی واحد تبدیل کرده است. با توجه به یافته‌ها، به‌نظر می‌رسد فرضیه پژوهش تا حد زیادی با واقعیت تجربی همخوانی دارد؛ بدین معنا که سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال افغانستان نه مطلقاً همگرا و نه کاملاً واهمگرا، بلکه به‌طور همزمان واجد هر دو ویژگی بوده است. بررسی رفتار و مواضع کشورهای عضو نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا نه به طور کامل در مسیر انسجام

[1]. Freedom Party of Austria

[2]. Partij voor de Vrijheid

نهادی حرکت کرده است و نه دچار فروپاشی در سیاست خارجی مشترک شده است، بلکه در مسیری میانی قرار دارد که بسته به نوع بازیگران، سطح تصمیم‌گیری و موضوع، میان منطق نهادی و بین‌دولتی در نوسان است.

از یک‌سو، موضوعاتی مانند: نقض حقوق بشر به‌ویژه زنان، عدم به‌رسمیت‌شناسی طالبان، کنترل مهاجرت؛ واکنش به رقابت ژئوپلیتیکی با چین و روسیه و فشار گروه‌های اپوزیسیون افغان سبب بروز همگرایی در بین کشورهای عضو شده است. در این موارد نقش نهادهای اتحادیه اروپا و هنجارها و ارزش‌های مشترک اروپایی به‌خوبی با مفروضات نظریه نهادگرایی نولیبرال قابل‌تبیین است. از سوی‌دیگر، در موضوعاتی مانند، نحوه تعامل عملی با طالبان، ملاحظات امنیتی و شیوه اعمال فشار سیاسی، اختلاف در منافع ملی، فشارهای داخلی و تفاوت‌های ژئوپلیتیکی، کشورهای عضو دچار واهمگرایی در تعامل با یکدیگر شده‌اند. این واهمگرایی را می‌توان در بین کشورهای اروپای شرقی و غربی با یکدیگر و کشورهایی با رویکرد عمل‌گرایانه و ارزش‌محور به‌وضوح مشاهده کرد. براین‌اساس می‌توان نتیجه گرفت که سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال طالبان نه صرفاً برآمده از اراده دولت‌های ملی است و نه تابع قدرت نهادهای فراملی است. این مهم نتیجه تلفیق منطق نهادی نولیبرال و منطق بین‌دولتی لیبرال است؛ بنابراین رسیدن به سیاست خارجی واحد در قبال امارت اسلامی افغانستان بدون ایجاد توازن میان منافع امنیتی، الزامات هنجاری و رقابت‌های ژئوپلیتیکی با دشواری‌های ساختاری مواجه است. در نهایت می‌توان گفت: تجربه افغانستان بیان می‌دارد که آینده سیاست خارجی اتحادیه اروپا منوط به مدیریت تضادها میان ارزش‌ها و منافع ملی و ایجاد سازوکار برای کاهش واهمگرایی در بین دولت‌های عضو است.

منابع فارسی

۱. *۸ صبح*. (۱۴۰۲، ۲۷ اسفند). تشدید نقض حقوق بشر در افغانستان؛ اتحادیه اروپا: احکام طالبان «وحشیانه و تبعیض‌آمیز» است. در: https://8am.media/fa/intensification-of-human-rights-violations-in-afghanistan-european-union-talibans-rulings-are-brutal-and-discriminatory

۲. انصاری‌کارگر، علیرضا. (۱۴۰۲). همگرایی و واگرایی آمریکا و اتحادیه اروپا بر روند دولت‌سازی در افغانستان طی دو دهه اخیر. *فصلنامه بهارستان*، ۱(۱)، ۴۴-۲۶.

۳. *ایراف*. (۱۴۰۲، ۲۱ سنبله). نگاهی تحلیلی به اقتصاد افغانستان قبل و بعد از استقلال، در: https://iraf.ir/?p=81506

۴. آمو. (۱۴۰۴، ۱۸ آبان). نماینده ویژه اتحادیه اروپا: اقدام روسیه در به‌رسمیت‌شناسی طالبان سازنده نیست. *تلویزیون آمو*. در: https://amu.tv/fa/209997

۵. *جماران*. (۱۴۰۰، ۸ شهریور). سایه سنگین تحولات افغانستان بر اروپا. در: https://www.jamaran.news/fa/tiny/news-1523001

۶. خاوری، عبدالله، و سیمبر، رضا. (۱۴۰۱). مقایسه حقوق سیاسی - اجتماعی زنان در حکومت

جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۰۱–۲۰۲۱) و امارت اسلامی افغانستان (۲۰۲۱ به بعد) و تطبیق آن با دیدگاه اسلامی و قوانین بین‌المللی. *نشریه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی*، ۵(۱۶)، ۱۶۹-۱۴۴.

۷. *خبرگزاری تسنیم*. (۱۴۰۴، ۷ آذر). اتحادیه اروپا: تماس با طالبان اجتناب‌ناپذیر است، در: http://www.tasnimnews.ir/fa/news/

۸. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۷۷). نظریه نهادگرایی نئولیبرال و همکاری‌های بین‌الملل. *سیاست خارجی*، ۱۲(۳)، ۵۸۸–۵۶۷.

۹. زمانی، عبدالرحمن. (۱۴۰۱). *جنگ جهانی دوم و نقاب بی‌طرفی رژیم خاندانی افغانستان*. تهران: گفتمان.

۱۰. شفیعی، نوذر، و نوریان، سیدمحمدعلی. (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل سیاست اتحادیه اروپا در افغانستان بر اساس نظریه صلح لیبرال. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۳(۳)، ۹۲-۶۱.

۱۱. گل‌آقایی، محمد مسعود، و ذوقی بارانی، کاظم. (۱۴۰۴). بررسی همگرایی و واگرایی در نظریات روابط بین‌الملل. *فصلنامه فقه و حقوق نوین*. ۶(۲۳)، ۲۴-۱.

۱۲. محمدی، حامد. (۱۴۰۱). نقش اتحادیه اروپا در تحولات سیاسی افغانستان ۲۰۲۱–۲۰۰۱. *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی.

۱۳. مرادیان، ولی‌الله. (۱۴۰۳). دورنمای راهبرد و سیاست اروپا در قبال حکومت طالبان. *مؤسسه مطالعات راهبردی شرق*. در: https://www.iess.ir/fa/analysis/3824

۱۴. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.

۱۵. نظری، علی؛ سلیمی، برهان. (۱۳۹۴). پوپولیسم راست افراطی در دموکراسی‌های اروپایی: مطالعه موردی فرانسه. *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ۱(۴)، ۱۵۷–۱۸۶.

۱۶. نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۲). *اتحادیه اروپا: از آغاز تا امروز*. تهران: انتشارات قومس.

English References

1. Afghan Diaspora Initiative. (n.d.). *About us*. https://www.afghan-diaspora.eu/
2. Anadolu Agency. (2025, September 28). *Germany to open talks with Taliban on deporting Afghans, interior minister says*. https://www.aa.com.tr/en/europe/germany-to-open-talks-with-taliban-on-deporting-afghans-interior-minister-says/3701580
3. Chatham House. (2025, August 28). *Push to deport failed Afghan asylum seekers from Europe could benefit the Taliban*. https://www.chathamhouse.org/2025/08/push-deport-failed-afghan-asylum-seekers-europe-could-benefit-taliban
4. Cole, D. (2025, December 11). Germany drops promise to resettle hundreds of Afghans. *The Guardian*. https://www.theguardian.com/world/2025/dec/11/germany-afghanistan-u-turn-migration-pakistan
5. Council of the European Union. (2024, September 16). *The current migratory situation in Afghanistan* (Document No. 12991/24). https://www.statewatch.org/media/4583/eu-council-emwp-2024-09-20-4-afghanistan-situation-12991-24.pdf

6. Council of the European Union. (n.d.). *Afghanistan: EU response*. https://www.consilium.europa.eu/en/policies/afghanistan-eu-response/
7. European Commission. (n.d.). *Afghanistan*. Directorate-General for International Partnerships. https://international-partnerships.ec.europa.eu/countries/afghanistan_en
8. European Council on Refugees and Exiles. (2024, March 29). *Seeking protection: Afghan asylum applicants in the EU* (Policy Note No. 45). https://ecre.org/ecre-policy-note-seeking-protection-afghan-asylum-applicants-in-the-eu/
9. European External Action Service. (2021). *The five benchmarks for EU engagement with the Taliban*. European Union.
10. European Union Agency for Asylum. (2024). *Country guidance: Afghanistan (May 2024)*. Publications Office of the European Union. https://euaa.europa.eu/sites/default/files/publications/2024-05/2024_CG_AFG_Final.pdf
11. Euractiv. (2025, November). *Commission says exploratory talks with Taliban on returns already underway*. https://www.euractiv.com/news/commission-says-exploratory-talks-with-taliban-on-returns-already-underway
12. Euronews. (2024, December 4). *EU condemns reported Taliban ban on women's medical education in Afghanistan*. https://www.euronews.com/health/2024/12/04/eu-condemns-reported-taliban-ban-on-womens-medical-education-in-afghanistan
13. Euronews. (2025, October 18). *Nineteen EU countries and Norway demand measures to return Afghans either voluntarily or forcibly*. https://www.euronews.com/my-europe/2025/10/18/nineteen-eu-countries-and-norway-demand-measures-to-return-afghans-either-voluntarily-or-forcibly
14. Ewans, M. (2002). *Afghanistan: A short history of its people and politics*. HarperCollins.
15. Financial Times. (2025, September 18). *Europe's migration 'desperation' opens diplomatic door to Taliban*. https://www.ft.com/content/2e746d46-51aa-475c-a659-1c7bed820a0e
16. Haas, E. B. (1958). *The uniting of Europe: Political, social, and economic forces, 1950–1957*. Stanford University Press.
17. Hassan, O. (2023). *Afghanistan: Lessons learnt from 20 years of supporting democracy, development and security*. European Parliament. https://www.europarl.europa.eu/cmsdata/266950/Study%20on%20Afghanistan_final.pdf
18. European Parliament
19. Human Rights Watch. (2024). *World report 2024: Afghanistan*. https://www.hrw.org/world-report/2024/country-chapters/afghanistan
20. International Centre for Migration Policy Development. (2025). *ICMPD migration outlook 2025: Ten migration issues to look out for in 2025*.

https://www.icmpd.org/file/download/63373/file/ICMPD%20Migration%20Outlook%202025.pdf

21. Keohane, R. O. (1984). *After hegemony: Cooperation and discord in the world political economy*. Princeton University Press.
22. Khassenkhanova, G. (2025, March 25). EU–Central Asia cooperation expands as Commissioner Síkela's visit seals major deals. *Euronews*. https://www.euronews.com/2025/03/25/eu-central-asia-cooperation-expands-as-commissioner-sikelas-visit-seals-major-deals
23. Marchi, L. (2022). The European Union (EU) in Afghanistan after August 2021: The logic of practice. *Malaysian Journal of International Relations, 10*(1), 45–62. https://doi.org/10.22452/mjir.vol10no1.3
24. Moravcsik, A. (1993). Preferences and power in the European Community: A liberal intergovernmentalist approach. *Journal of Common Market Studies, 31*(4), 473–524.
25. Moravcsik, A. (1998). *The choice for Europe: Social purpose and state power from Messina to Maastricht*. Cornell University Press.
26. Official Journal of the European Union. (2016). Consolidated version of the Treaty on European Union: Article 21. *Official Journal of the European Union, C 202*, 28–29. https://eur-lex.europa.eu/eli/treaty/teu_2016/art_21/oj
27. The Brussels Times. (2025, October 20). *EU announces "exploratory contacts" with the Taliban on Afghan expulsions*. https://www.brusselstimes.com/eu-affairs/1804901/eu-announces-exploratory-contacts-with-the-taliban-on-afghan-expulsions/
28. *Treaty of Lisbon amending the Treaty on European Union and the Treaty establishing the European Community*. (2007). *Official Journal of the European Union, C 306*, 1–271. https://eur-lex.europa.eu/eli/treaty/lis/sign/eng
29. United Nations High Commissioner for Refugees. (2023). *Afghanistan situation: Regional refugee response plan*. https://reporting.unhcr.org/afghanistan-regional-refugee-response-plan
30. Waltz, K. N. (1979). *Theory of international politics*. Addison-Wesley.
31. Wendt, A. (1992). Anarchy is what states make of it: The social construction of power politics. *International Organization, 46*(2), 391–425. https://doi.org/10.1017/S0020818300027764

Translated References to English

1. *8 Sobh*. (2023, March 17). Intensification of human rights violations in Afghanistan; EU: Taliban rulings "brutal and discriminatory." 8 Sobh Newspaper . https://8am.media/fa/intensification-of-human-rights-violations-in-afghanistan-european-

union-talibans-rulings-are-brutal-and-discriminatory **(In Persian)**

2. Afghan Diaspora Initiative. (n.d.). *About us*. https://www.afghan-diaspora.eu/
3. Amo. (2025, November 8). EU Special Representative: Russia's recognition of the Taliban is not constructive. *Amu TV* .https://amu.tv/fa/209997 **(In Persian)**
4. Anadolu Agency. (2025, September 28). *Germany to open talks with Taliban on deporting Afghans, interior minister says*. https://www.aa.com.tr/en/europe/germany-to-open-talks-with-taliban-on-deporting-afghans-interior-minister-says/3701580
5. Ansari Kargar, A. (2023). Convergence and divergence of the US and the EU on state-building in Afghanistan over the past two decades. *Baharestan Quarterly*, 1(1), 26-44. **(In Persian)**

   Iraf. (2023). Analysis of Afghanistan's economy before and after independence. https://iraf.ir/?p=81506 **(In Persian)**
6. Chatham House. (2025, August 28). *Push to deport failed Afghan asylum seekers from Europe could benefit the Taliban*. https://www.chathamhouse.org/2025/08/push-deport-failed-afghan-asylum-seekers-europe-could-benefit-taliban
7. Cole, D. (2025, December 11). Germany drops promise to resettle hundreds of Afghans. *The Guardian*. https://www.theguardian.com/world/2025/dec/11/germany-afghanistan-u-turn-migration-pakistan
8. Council of the European Union. (2024, September 16). *The current migratory situation in Afghanistan* (Document No. 12991/24). https://www.statewatch.org/media/4583/eu-council-emwp-2024-09-20-4-afghanistan-situation-12991-24.pdf
9. Council of the European Union. (n.d.). *Afghanistan: EU response*. https://www.consilium.europa.eu/en/policies/afghanistan-eu-response/
10. Dehghani Firouzabadi, S. J. (1998). Neoliberal institutionalism theory and international cooperation. Foreign Policy, 12(3), 657-588. **(In Persian)**
11. Euractiv. (2025, November). *Commission says exploratory talks with Taliban on returns already underway*. https://www.euractiv.com/news/commission-says-exploratory-talks-with-taliban-on-returns-already-underway
12. Euronews. (2024, December 4). *EU condemns reported Taliban ban on women's medical education in Afghanistan*. https://www.euronews.com/health/2024/12/04/eu-condemns-reported-taliban-ban-on-womens-medical-education-in-afghanistan
13. Euronews. (2025, October 18). *Nineteen EU countries and Norway demand measures to return Afghans either voluntarily or forcibly*. https://www.euronews.com/my-europe/2025/10/18/nineteen-eu-countries-and-norway-demand-measures-to-return-

afghans-either-voluntarily-or-forcibly

14. European Commission. (n.d.). *Afghanistan*. Directorate-General for International Partnerships. https://international-partnerships.ec.europa.eu/countries/afghanistan_en
15. European Council on Refugees and Exiles. (2024, March 29). *Seeking protection: Afghan asylum applicants in the EU* (Policy Note No. 45). https://ecre.org/ecre-policy-note-seeking-protection-afghan-asylum-applicants-in-the-eu/
16. European External Action Service. (2021). *The five benchmarks for EU engagement with the Taliban*. European Union.
17. European Parliament
18. European Union Agency for Asylum. (2024). *Country guidance: Afghanistan (May 2024)*. Publications Office of the European Union. https://euaa.europa.eu/sites/default/files/publications/2024-05/2024_CG_AFG_Final.pdf
19. Ewans, M. (2002). *Afghanistan: A short history of its people and politics*. HarperCollins.
20. Financial Times. (2025, September 18). *Europe's migration 'desperation' opens diplomatic door to Taliban*. https://www.ft.com/content/2e746d46-51aa-475c-a659-1c7bed820a0e
21. Golaghaei, M., & Zoghi Barani, K. (2025). Examining convergence and divergence in international relations theories. Fiqh and Modern Law Quarterly, 6(23),1-24. **(In Persian)**
22. Haas, E. B. (1958). *The uniting of Europe: Political, social, and economic forces, 1950–1957*. Stanford University Press.
23. Hassan, O. (2023). *Afghanistan: Lessons learnt from 20 years of supporting democracy, development and security*. European Parliament. https://www.europarl.europa.eu/cmsdata/266950/Study%20on%20Afghanistan_final.pdf
24. Human Rights Watch. (2024). *World report 2024: Afghanistan*. https://www.hrw.org/world-report/2024/country-chapters/afghanistan
25. International Centre for Migration Policy Development. (2025). *ICMPD migration outlook 2025: Ten migration issues to look out for in 2025*. https://www.icmpd.org/file/download/63373/file/ICMPD%20Migration%20Outlook%202025.pdf
26. Keohane, R. O. (1984). *After hegemony: Cooperation and discord in the world political economy*. Princeton University Press.
27. Khassenkhanova, G. (2025, March 25). EU–Central Asia cooperation expands as Commissioner Síkela's visit seals major deals. *Euronews*. https://www.euronews.com/2025/03/25/eu-central-asia-cooperation-expands-as-commissioner-sikelas-visit-seals-major-deals
28. Khawari, A., & Simbar, R. (2022). Comparative study of women's political-social rights

under the Islamic Republic of Afghanistan (2001–2021) and the Islamic Emirate of Afghanistan (2021 onwards) and their alignment with Islamic and international law. *Journal of Comparative Law Research and Development*, 16(5), 144-169. **(In Persian)**

29. Marchi, L. (2022). The European Union (EU) in Afghanistan after August 2021: The logic of practice. *Malaysian Journal of International Relations, 10*(1), 45–62. https://doi.org/10.22452/mjir.vol10no1.3
30. Mohammadi, H. (2022). The role of the European Union in Afghanistan's political developments 2001–2021. *M.A. Thesis*, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University. **(In Persian)**
31. Moravcsik, A. (1993). Preferences and power in the European Community: A liberal intergovernmentalist approach. *Journal of Common Market Studies, 31*(4), 473–524.
32. Moravcsik, A. (1998). *The choice for Europe: Social purpose and state power from Messina to Maastricht*. Cornell University Press.
33. Moshirzadeh, H. (2005). *Evolution in International Relations Theories*. Tehran: SAMT **(In Persian)**
34. Naqibzadeh, A. (2003). *European Union: From Inception to Present*. Tehran: Qomes Publications. **(In Persian)**
35. Nazari, A., & Salimi, B. (2015). Far-right populism in European democracies: Case study of France. *Government Research Quarterly*, 1(4), 157–186 **(In Persian)**
36. Official Journal of the European Union. (2016). Consolidated version of the Treaty on European Union: Article 21. *Official Journal of the European Union, C 202*, 28–29. https://eur-lex.europa.eu/eli/treaty/teu_2016/art_21/oj
37. Shafiei, N., & Nourian, S. M. (2014). Analysis of the EU policy in Afghanistan based on liberal peace theory. *Central Asia and Caucasus Studies*, 23(3), 61-92. **(In Persian)**
38. *Tasnim News Agency*. (2025, November 28). EU: Contact with Taliban is inevitable. http://www.tasnimnews.ir/fa/news/ **(In Persian)**
39. The Brussels Times. (2025, October 20). *EU announces "exploratory contacts" with the Taliban on Afghan expulsions*. https://www.brusselstimes.com/eu-affairs/1804901/eu-announces-exploratory-contacts-with-the-taliban-on-afghan-expulsions/
40. *Treaty of Lisbon amending the Treaty on European Union and the Treaty establishing the European Community*. (2007). *Official Journal of the European Union, C 306*, 1–271. https://eur-lex.europa.eu/eli/treaty/lis/sign/eng
41. United Nations High Commissioner for Refugees. (2023). *Afghanistan situation: Regional refugee response plan*. https://reporting.unhcr.org/afghanistan-regional-refugee-response-

plan

42. Waltz, K. N. (1979). *Theory of international politics*. Addison-Wesley.
43. Wendt, A. (1992). Anarchy is what states make of it: The social construction of power politics. *International Organization, 46*(2), 391–425. https://doi.org/10.1017/S0020818300027764
44. Zamani, A. R. (2022/1401). *World War II and the neutrality mask of the Khans' regime in Afghanistan*. Tehran Gofteman. **(In Persian)**